

دکتر علی افخمی*

استاد گروه زبانشناسی همگانی
دانشگاه تهران

سید فرید خلیفه لو**

دانشجوی دکتری گروه زبانشناسی همگانی
دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۰

(صص ۳۰-۷)

شکرشکن دیار هند

(ولی الله دهلوی، مترجم توانای قرآن کریم)

چکیده

شاه ولی الله محدث دهلوی، صاحب کتاب حجه الله البالغه، متولد دهلی، در هندوستان، قریب ۳۰۰ سال پیش، ترجمه ای از قرآن کریم بدست داده که حتی امروز کمتر ترجمه ای با شیوایی و دقت آن می توان در میان مترجمان متاخر قرآن کریم یافت. متأسفانه این اثر گرانسنگ بنا به دلایلی در ایران ناشناخته باقی مانده است. در این مقال پس از معرفی شاه ولی الله دهلوی، به ویژگی هایی که ترجمه وی از قرآن داراست پرداخته شده و سپس با استفاده از برخی ملاک های مقابله ای نحوی میان زبان عربی و فارسی سعی در بررسی دقیق تر صحت کار ترجمه وی گردیده است.

کلیدواژه ها: ولی الله دهلوی، ترجمه، قرآن کریم، ترجمه تحت اللفظی، صفت، ضمیر

مقدمه

به حق یکی از شاهکارهای صورت پذیرفته در عرصه ترجمه قرآن کریم ولی الله

* Email: aafkhmi@ut.ac.ir

** Email: khalifehloo@yahoo.com

بن عبدالرحیم، معروف به شاه ولی الله محدث دهلوی است. این ترجمه از آغاز پیدایش خود همواره توجه خواص قرآن پژوه و عموم مردم را، در هند، پاکستان، افغانستان و مناطق شرقی و جنوب شرقی ایران به خود جلب کرده است، اما متأسفانه به خاطر اشتباه نام مترجم با عبدالعزیز محدث دهلوی که رویکردی ضد شیعی داشته است، مورد بی‌مهری دیگر مسلمانان دیار ما واقع شده و هنوز هم این شبهه از میان نرفته و برخی اوقات مطرح می‌شود که امیدوارم با این توضیح، موضوع روشن شود و مترجم قرآن و صاحب کتاب حجه الله البالغه از شخص پیش‌گفته معلوم و مشخص شده باشد (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۰۶). شاه ولی الله از قرآن ترجمه‌ای تحت اللفظی و بسیار دقیق و صحیح بدست داده که قطعاً در میان ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن به زبان فارسی مقامی ممتاز دارد و حقا می‌باید از عدم رواج آن در ایران متأسف بود و به معرفی و ترویج آن همت گماشت (حداد عادل، ۱۳۷۰: ۲۷).



البته باید به این نکته توجه نمود که چاپ موجود و در دسترس از این ترجمه مربوط به همین سال‌های اخیر است که توسط چاپخانه قرآن کریم مجمع ملک فهد در سال ۱۴۱۷ق طبع شده و توسط دکتر عبدالحق بلوچ و شیخ محمد داری «بازبینی و بررسی مجدد»

گردیده است. این طبع از ترجمه دهلوی متاسفانه با دیدی غیر علمی و غیر فنی مورد بازبینی و ویرایش و بررسی مجدد قرار گرفته و رگه هایی از تعصب در آن راه یافته است. اما طبع کراچی (به همت تاج کمپنی لمیتد) و طبع پیشاور پاکستان (به همت نورانی کتب‌خانه) از اینگونه دستبرد ها مبری است. اگرچه نسخه پیشاور به لحاظ اصلاح اغلاط مطبعی و ذکر افزوده های شخص ولی الله دهلوی و حاشیه های آن از اعتبار بیشتری برخوردار است.

معرفی مترجم قرآنی

ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به «شاه ولی الله دهلوی» محدث دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ ق / ۱۷۰۳-۱۷۶۲م) دانشمند مسلمان (قرآن‌شناس، حدیث پژوه، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر/ اصلاحگرای عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره هند. (متولد و متوفی و مدفون در دهلی). وی دارای آثار عدیده، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبان‌های دیگر ترجمه شده است. در سال ۱۱۴۳ به حج رفت و این فریضه دینی را به جای آورد؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آن جا به تجدید و توسعه آموخته‌های خود، به ویژه در زمینه حدیث پرداخت. در سال ۱۱۴۵ ق / ۱۷۳۲م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تألیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد. یک دهه بعد، اثر علمی - اجتماعی خود حجّة الله البالغة ی را به عربی نوشت (چاپ قاهره، ۲ جلد، ۱۹۵۲-۱۹۵۳) در این کتاب صلاهی احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه فرهنگ و علوم اسلامی، با تأکید بر قرآن و حدیث، و نیز چاره‌اندیشی‌های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۶۲)

شیوه ی بررسی ترجمه ی ولی الله دهلوی

برای آزمودن کار ولی الله دهلوی ابتدا باید دقت و صحت ترجمه وی را سنجید و دید که آیا مترجم توانسته است در عمل نیز تمام وسعت دید نظری خویش را بکار بندد یا خیر.

برای رسیدن به این مقصود از چند شیوه می توان بهره برد. برای مثال یکی از این شیوه ها مقابله آیه به آیه قرآن کریم با ترجمه هر آیه شریف و نقد مورد به مورد است که طبعاً کاری بسیار دشوار و زمان بر و مستلزم دانشی فراوان در ساخت زبان عربی و آشنایی به علوم بسیاری است که نگارنده در این حد و اندازه نبوده و نیست. در یکی از این شیوه ها، طی یک کار دقیق (گروه مترجمان دار القرآن الکریم، ۱۳۷۰) صحت ترجمه ۷ مترجم قرآن کریم در رابطه با ۲۰ آیه شریف مورد بررسی قرار گرفته است و آقای غلامعلی حداد عادل در مقاله خود، ترجمه ولی الله دهلوی از آن آیات را با همان مترجمان مقایسه نموده و دقت نظر و صحت کار ترجمه دهلوی را مورد تایید قرار داده است (حداد عادل، ۱۳۷۰: ۳۲-۲۶).

ولی طریق سهل تر و در چهارچوب کوچکتی را می توان برگزید که هم در این مقال کوتاه بگنجد و هم تا حدی مقرون به دقت باشد. در این شیوه، با استفاده از روش های مقابله ای (Contrastive analysis) توصیف زبان، هر بار ملاکی از ملاک های نحوی (Syntactic criteria) زبان عربی برگزیده شده و با مقابله با ساخت نحوی زبان فارسی، شاهدی از آیات شریف قرآن کریم برای آن ذکر می شود و سپس در میان ۲۱ ترجمه ی معاصر قرآن و همچنین ترجمه ی خود شاه ولی الله دهلوی مقایسه ای انجام می شود و حاصل این مقایسه در ذیل هر مثال می آید. اینکه همه ی ۲۲ ترجمه، ذیل هر مثال قرآنی ذکر نمی شود به مقتضای حجم مقاله است که حتی الامکان می بایست ایجاز در آن رعایت گردد (کریمی نیا، ۱۳۸۹: ۵۳-۳۳). البته ناگفته پیداست که مقابله تمامی ساخت های نحوی زبان های عربی و فارسی نه در حد توانایی نگارنده است و نه اصولاً در چنین بحث کوتاهی لازم می نماید. لذا تنها به چند ملاک در حوزه صفت و ضمیر اکتفا گردید. نکته دیگر اینکه هر مورد، تنها در رابطه با همان ملاک نحوی مورد بررسی قرار گرفته است. ممکن است در برخی موارد ترجمه ذکر شده از این نظر که شاید تنها بخشی از جمله خود باشد، ناقص و ناسلیس به نظر برسد، اما دیدن آن جمله در میان دیگر جملات متن و ملاحظه ی سبک فارسی نویسی مترجم این نگرانی را برطرف خواهد نمود.

بررسی ترجمه ولی الله دهلوی (از طریق مقابله ساخت نحوی زبان عربی و فارسی در حوزه

صفت و ضمیر)

۱- مطابقت صفت و موصوف در تذکیر و تأنیث:

از آنجا که صفات در زبان فارسی مذکر و مؤنث ندارند، با موصوف خود مطابق نیستند، اما در عربی، برای موصوف مذکر و مؤنث، به ترتیب صفت مذکر و مؤنث می آورند. البته رعایت مطابقت صفت و موصوف در تذکیر و تأنیث در زبان فارسی اصلاً لازم و بلکه جایز نیست، بجز مواردی اندک که در زبان عرف مصطلح شده اند. (بقره ۲۲۱)

﴿وَأَلَمَ مٌؤْمِنَةٌ﴾

- الهی قمشه ای: زن مومنه ای
- معزی: زنی مومنه
- کاویانپور: زن مومنه ای

برخی از ترجمه ها که این مورد را رعایت نموده اند:

- دهلوی: زن مسلمان
- پاینده و آیتی: زن مومنی
- مشکینی، مکارم و پورجوادی: زن با ایمانی
- رضایی و مصباح زاده: زن با ایمان
- انصاری: زنی مومن

۲- مطابقت صفت و موصوف در افراد و تشبیه و جمع. (انفطار ۱۱ و ۱۰)

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَتِيبِينَ﴾

- معزی: گرامیانی نویسندگانی
 - مصباح زاده: گرامیان نویسندگان
- بعضی از ترجمه هایی که این مورد را رعایت نموده اند:
- دهلوی: گرامی قدر نویسندگان
 - پاینده: نویسندگانی ارجمند
 - آیتی: کاتبانی بزرگوار

- پورجوادی: نویسندگان بزرگوار
- انصاری: نگارندگان گرانقدر

۳- گاهی مضاف و مضاف الیه هر دو جمع اند. ساخت فارسی بسته به معنا، در مواردی هر دو را بصورت جمع قبول نمی کند. (نجم ۳۲)

﴿ فِي بُطُونٍ أُمَّهَاتِكُمْ ﴾

- مجتبوی، فولادوند، معزی، خواجوی، رضایی، مصباح زاده: شکم های مادرانتان

برخی از ترجمه هایی که این قاعده را در فارسی رعایت کرده اند:

- دهلوی: شکم مادران
- الهی قمشه ای: رحم مادر ها
- پاینده: شکم مادرهایتان
- مکارم: شکم مادرانتان

۴- در زبان عربی مبتدا و خبر از جهت شمار مطابقت دارند ولی در ساخت زبان فارسی به این صورت مطابقت پذیرفته نیست. (سبأ ۲۹)

﴿ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴾

- معزی: اگر هستید راستگویان
 - حلبی: اگر راستگویانید
 - مصباح زاده: اگر هستید راستگویان
- برخی از ترجمه هایی که رعایت این امر را نموده اند:
- دهلوی: اگر شما راستگویید
 - الهی قمشه ای: اگر راست می گوید
 - مجتبوی: اگر راستگویید

۵- توصیف مضاف

وقتی یک اسم مضاف، صفت هم بگیرد، در زبان عربی صفت را بعد از مضاف الیه می آورند، ولی در زبان فارسی صفت اسم مضاف را پس از خود مضاف قرار می دهند. (بروج ۱۵)

﴿ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴾

- آیتی: صاحب عرش ارجمند
- پورجوادی: صاحب عرش مجید
- معزی: دارنده عرش گرامی
- حلبی: خداوند عرش گرامی
- خواجوی: صاحب عرش بزرگوار
- تعدادی از ترجمه هایی که رعایت قاعده نموده اند:
- دهلوی: خداوند عرش است، گرامی قدر است
- پاینده: دارای عرش و نکو کردار
- مکارم: صاحب عرش و دارای مجد و عظمت
- مجتبی: خداوند بزرگوار عرش
- فولادوند: صاحب ارجمند عرش
- گرمارودی: دارنده ارجمند اورنگ

۶- وقتی چند اسم به یکدیگر اضافه شوند و تتابع اضافات (بکار رفتن بیش از یک مضاف و مضاف الیه) پدید آید، اگر بخواهیم یکی از آن مضاف ها را توصیف کنیم در زبان عربی صفت را پس از آخرین مضاف الیه می نهند، ولی در زبان فارسی، صفت هر مضاف پس از خود آن مضاف می آید. (الرحمن ۲۷)

﴿ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ ﴾

- آیتی: ذات پروردگار صاحب جلالت و اکرام
- الهی قمشه ای: ذات خدای با جلال و عظمت
- پورجوادی: ذات پروردگار جلیل و گرامی

- انصاری: ذات پروردگار شکوهمند گرامی
- نمونه هایی از رعایت این اصل در ترجمه فارسی:
- دهلوی: و باقی ماند روی پروردگار تو، خداوند بزرگی و انعام
- مکارم: ذات ذوالجلال وگرامی پروردگارت
- فولادوند: ذات با شکوه و ارجمند پروردگارت
- ارفع: ذات پروردگارت که دارای جلالت و کرامت است
- طاهری: نمود جلیل و کریم پروردگارت

۷- گاه در زبان عربی ترکیب «اسم [مضاف] + مضاف الیه + صفت مضاف» مبدل به اسلوب «اسم + جار و مجرور + صفت اسم» می شود، اعم از آنکه جار و مجرور متعلق به همین اسم باشد یا به فعل قبلی در جمله متعلق باشد. در چنین مواردی نیز باید در ترجمه فارسی (برخلاف عربی) ابتدا صفت اسم و سپس جار و مجرور را بیاوریم. (نور ۶۱)

﴿ نَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً ﴾

- ارفع: سلامی از جانب پروردگار مبارک و پاکیزه
- فارسی: درودی از جانب خدای فرخنده پاکیزه
- بعضی از تراجم که رعایت قاعده نموده اند:
- دهلوی: دعائی خیر، با برکت، پاکیزه، فرود آمده از نزدیک خدا
- پاینده: درودی از جانب خدا، مبارک و پاکیزه
- آیتی: تحیتی ... مبارک و پاکیزه از جانب خدا
- پورجوادی: شادباشی ... فرخنده و پاکیزه از سوی خدا

۸- توصیف مضاف الیه؛ در یک ترکیب اضافی (بدون تتابع اضافات):

اگر بخواهیم مضاف الیه را توصیف کنیم هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی صفت پس از مضاف الیه قرار می گیرد. (توبه ۳)

﴿ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ ﴾

- الهی قمشه ای: در بزرگترین روز حج
 - مجتبیوی: - روز حج بزرگ یا روز بزرگ حج
 - مشکینی: روز بزرگ حج
 - ترجمه هایی که قاعده را رعایت کرده اند:
 - دهلوی: روز حج بزرگ
 - آیتی، رضایی، طاهری: روز حج بزرگتر
- بعضی ترجمه ها ترکیب حج اکبر را عینا آورده اند، مانند: کاویانپور، گرمارودی، مصباح زاده، انصاری، صفار زاده.

۹- در زبان عربی، در ترکیبهای اضافی اگر موصولاتی چون: الذی و الذین، اسم مضاف را توصیف کنند، این توصیفات را بعد از مضاف الیه می آورند ولی مناسب است در ترجمه ی فارسی این الگو برخلاف قاعده الذی یا الذین پس از مضاف الیه ترجمه شود. (نساء ۱۲۷)

﴿ فِي يَتَامَى الْيَتَامَى الَّذِينَ لَا تُوْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ ﴾

- معزی: در باره یتیمان زنانی که نمی دهیدشان آنچه نوشته شده است برای ایشان
- (ظاهرا اللاتی صفت یا بدل برای مضاف الیه النساء گرفته شده نه صفت مضاف یتامی)
- مصباح زاده: در یتیمان زنانی که نمی دهید ایشان را آنچه نوشته شده از برایشان
- (اینجا هم اللاتی صفت یا بدل برای مضاف الیه النساء گرفته شده نه صفت مضاف یتامی)

نمونه هایی از رعایت این قاعده در ترجمه فارسی:

- دهلوی: زنان یتیمه که نمی دهید ایشانرا آنچه فرض کرده شده است برای ایشان
- پاینده: در باره ... زنان یتیم که حقشان را نمی دهید
- آیتی: در باب ... زنان پدر مرده ای است که حق مقررشان را نمی پردازید

- مکارم: در باره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی دهید

۱۰- صفت تفضیلی، صفت عالی

صفتها از لحاظ درجه بندی به سه دسته تقسیم می شوند مطلق، تفضیلی و عالی. در زبان فارسی با افزودن «تر» و «ترین» به صفت مطلق، می توان صفت تفضیلی و عالی ساخت. در زبان عربی برای ساختن صفت تفضیلی و عالی تنها یک شکل موجود است و آن استفاده از صیغه أفعَل تفضیلی یا مونث آن فُعلی است. بنابر این نوع ترکیب کلمات تعیین کننده ی یکی از این دو گونه تفضیلی و عالی است.

۱۰-۱-۱- صفت تفضیلی: افعال + من

صفات تفضیلی در قرآن غالباً با ترکیب افعال + من بیان می شوند. (بقره ۱۳۸)

﴿ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً ﴾

- حلبی: و کیست بهتر از خدا که کسی را به رنگ (دین خدا) بیاراید؟

- طاهری: و کیست بهتر از خدا، از نظر القای شخصیت؟

- فارسی: و کیست بهتر از خدا به آراستن؟

و برخی ترجمه هایی که قاعده را رعایت کرده اند:

- دهلوی: قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا به اعتبار رنگ؟

- الهی قمشه ای: و چه رنگی بهتر از رنگ خدا؟

- پاینده: و کیست که رنگ او از رنگ خدا بهتر است؟

- ارفع: و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟

- گرمارودی: و خوش رنگ تر از خداوند کیست؟

۱۰-۱-۲- صفت تفضیلی أفعَل (بدون من، غیر مَعْرَف و غیر مضاف)

گاه من از ترکیب سابق حذف می شود و أفعَل تنها بدون حرف تعریف و یا

مضاف الیه، صفت تفضیلی را بیان می کند. (هود ۷۸)

﴿ هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ ﴾

- خواجوی: برای شما حلالند

در دیگر ترجمه ها قاعده رعایت شده است و از صفات تفضیلی: پاکیزه تر، بهتر و شایسته تر استفاده شده است، مانند:

• دهلوی: اینها پاکیزه تراند برای شما

• الهی قمشه ای: برای شما پاکیزه و نیکوترند

۱۰-۱-۳- صفت تفضیلی: الْأَفْعَلُ وَالْفَعْلَى (در نقش صفت)

گاه أَفْعَلٌ یا مَوْثٌ أَنْ فُعْلَى به همراه ادات تعریف، یک اسم معرفه را توصیف می کنند. در غالب این موارد نیز مراد صفت تفضیلی است نه صفت مطلق یا عالی. (انفال ۴۲)

﴿ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى ﴾

• الهی قمشه ای: شما در وادی نزدیک و دشمن به مکانی دور بود

• پاینده: شما بر کناره نزدیک بودید و آنها بر کناره دور

• مکارم: شما در طرف پایین بودید و آنها در طرف بالا

• معزی: بودید بر کناره فرودین دره و ایشان بر کناره فرازین آن

• خواجوی: شما بر کناره نزدیک بودید و آنان بر کناره دور بودند

و تعدادی از ترجمه هایی که قاعده فوق را رعایت کرده اند:

• دهلوی: آنگاه که شما بکناره نزدیک بودید و ایشان بکناره دورتر

• آیتی: شما در کرانه نزدیکتر بیابان بودید و آنها در کرانه دورتر بودند

• پورجوادی: شما به کناره نزدیکتر بودید و آنها در کرانه دورتر بودند

• فولادوند: شما بر دامنه نزدیکتر (کوه) بودید و آنان در دامنه دورتر (کوه)

• حلبی: شما در وادی نزدیکتر بودید و آنها در وادی دورتر

۱۰-۱-۴- صفت تفضیلی: الْأَفْعَلُ وَالْفَعْلَى (به تنهایی، مفرد یا جمع)

گاه أَفْعَلٌ یا مَوْثٌ أَنْ فُعْلَى به شکل معرفه، بی آنکه اسمی را توصیف کنند، در کلام واقع می شوند. مراد از أَفْعَلٌ با این الگو نیز که گاه به صیغه جمع هم می آید صفت تفضیلی است. (منافقون ۸)

﴿ الْأَعْرُ مِنْهَا الْأَذَلَّ ﴾

- الهی قمشه ای: اربابان عزت و ثروت، مسلمانان ذلیل و فقیر را
 - آیتی: صاحبان عزت، ذلیلان را
 - پورجوادی: عزت یافتگان خوار شدگان را
 - مکارم: عزیزان، ذلیلان را
 - نمونه هایی از رعایت این اصل در ترجمه فارسی:
 - دهلوی: بزرگتر، خوار تر را
 - پاینده: عزیز تر، ذلیل تر را
 - مشکینی: آن که عزیز تر است، آن را که ذلیل تر است را
 - انصاری: گرامی تران، فرومایه تران را
- ۱۰-۲- صفت عالی: أَفْعَل + اسم معرفه (مفرد یا جمع)

هرگاه أَفْعَل به اسم معرفه (مفرد یا جمع) پس از خود اضافه شود بی هیچ التباس یا تردیدی، معنای صفت عالی را بیان می کند. عالی بودن صفت اینجا روش تراسز مورد پیشین است. (روم ۳)

﴿ فِي آدْنِي الْأَرْضِ ﴾

- پاینده: به نزدیکی این سرزمین
- آیتی، خواجوی و ارفع: در نزدیک این سرزمین
- پورجوادی: نزدیک این سرزمین
- مکارم: سرزمین نزدیکی
- صفار زاده: در همین نزدیکی های شبه جزیره عربستان
- بعضی ترجمه ها که رعایت قاعده نموده اند:
- دهلوی، قمشه ای و حلبی: نزدیکترین زمین
- مجتبوی، فولادوند، معزی و انصاریان: در نزدیکترین سرزمین

۱۱- أَفْعَل و فُعَلی در قالب اسمی

گاه أَفْعَل یا مونت آن فُعَلی از قالب تفضیلی و حتی وصفی در می آیند و در

معنای اسمی به کار می روند. نامگذاری پاره ای از امور (عام یا خاص) با أَفْعَلْ یا فُعْلَى سبب نمی شود که أَفْعَلْ یا فُعْلَى همواره در قالب اسمی به کار رود و هیچگاه معنای وصفی و یا تفصیلی با خود نداشته باشند. یک نمونه معروف کلمه دنیااست که در بیشتر اوقات اسمی است برای این زندگی (پیش از مرگ) هرچند گاه در قالب وصفی (تفصیلی) نیز بکار آمده است. (لیل ۶)

﴿ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴾

- آیتی: و آن بهترین را تصدیق کرد
- فولادوند: و (پاداش) نیکوتر را تصدیق کرد
- انصاریان: و وعده نیکوتر را (...) باور کرد
- گرمارودی: و آن وعده نیکوترین (بهشت) را راست بشمارد
- صفار زاده: و تصدیق کننده حقانیت آن فوق خوب باشد

و رعایت قاعده در زبان فارسی:

- دهلوی: و باور داشت ملت نیک را

(ممکن است ملت نیک معادل مناسبی برای «حسنی» نباشد ولی اینجا تشخیص نحوی مترجم مبنی بر اسم بودن واژه حسنی و قرار دادن آن در مقابل گروه اسمی: «ملت نیک» با هسته اسمی: «ملت» مد نظر است.)

- پورجوادی: و نیکی را گواهی دهد
- ارفع: و نیکی را تصدیق کند
- خواجهوی: و بهشت را تصدیق داشت
- کاویانپور: و احکام خدا را تصدیق کرد
- مشکینی: و وعده های خدا را تصدیق کرد

۱۱- ضمیر

۱-۱۱- ضمیر فاعلی متصل (عربی) = شناسه (فارسی)

در زبان عربی ضمائر به دو دسته متصل و منفصل و هر کدام از این دو به دو گونه

فاعلی و مفعولی تقسیم می شوند:

- فاعلی متصل: (هو)، ا، و، (هی)، ا، ن ...
- مفعولی متصل: ه، هما، هم، ها، هما، هن ...
- فاعلی منفصل: هو، هما، هم، هی، هما، هن ...
- مفعولی منفصل: ایاه، ایاهما، ایاهم، ایاه، ایاهما، ایاهن ...

در زبان فارسی میان ضمائر منفصل فاعلی و مفعولی تفاوت نیست و در هر دو مورد می گوئیم: من، تو او، ما، شما، ایشان (ضمائر شخصی منفصل). ضمیرهای متصل مفعولی عربی همان ضمائر شخصی متصل فارسی (ام، ات، اش، مان، تان، شان) هستند و ضمیرهای متصل فاعلی همان شناسه ها هستند (م ی، د، یم، ید، ند). از این مقایسه در می یابیم که ضمائر متصل فاعلی در عربی مطابق با شناسه افعال در زبان فارسی اند با قبول چنین تطابقی نباید در ترجمه فارسی افعال قرآن که همراه با ضمائر متصل فاعلی اند علاوه بر شناسه از ضمیر شخصی منفصل (من، تو، او...) هم بهره بریم؛ جز در صورتی که در آن آیه نیز ضمیر منفصل فاعلی (هو، هما، هم ...) به همراه فعل آمده باشد. مثال از افعالی که فقط ضمیر متصل فاعلی دارند. (قصص ۷)

﴿ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ ﴾

- مکارم: ما به مادر موسی وحی کردیم
 - مشکینی: و ما به مادر موسی الهام سرّی و سریع کردیم
- قاعده در دیگر تراجم رعایت شده است، مانند:
- دهلوی: و الهام فرستادیم بسوی مادر موسی (ع)
 - فولادوند: و به مادر موسی وحی کردیم

و مثال از افعالی که علاوه بر ضمیر متصل فاعلی، ضمیر منفصل فاعلی نیز دارند. (نساء ۱۶۳)

﴿ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ﴾

- معزی: همانا وحی فرستادیم به سوی تو
- در دیگر ترجمه ها قاعده رعایت شده است، مانند:

- دهلوی: ما وحی فرستادیم بسوی تو
- مکارم: ما به تو وحی فرستادیم
- پاینده: ما بتو وحی کردیم

۱۱-۲- مرجع ضمیر: پیش یا پس از ضمیر

در زبان فارسی مرجع ضمیر بعد از خود ضمیر نمی آید اما در زبان عربی گاه ضمیری به مرجع پس از خود باز می گردد. در ترجمه فارسی این موارد، باید همواره ضمیر را بعد از مرجع آن آورد. (هود ۶۳)

﴿ فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ ﴾

- الهی قمشه ای: اگر باز هم فرمان او نبرم، در این صورت مرا در برابر (قهر) خدا که یاری تواند داد؟
 - پورجوادی: اگر به فرمائش گردن نگذارم چه کسی قادر است مرا در برابر خدا یاری کند؟
 - مجتبیوی: اگر او را نافرمانی کنم چه کسی مرا در برابر خدا یاری می کند؟
 - فولادوند: پس اگر او را نافرمانی کنم چه کسی در برابر خدا مرا یاری می کند؟
- چند نمونه از رعایت این قاعده نحوی در ترجمه:
- دهلوی: پس که نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی کنم او را؟
 - پاینده: اگر عصیان خدا کنم، کی مرا در قبال او یاری می کند؟
 - معزی: پس که مرا یاری دهد از خدا اگر نافرمانیش کنم؟
 - حلبی: پس چه کسی مرا از (خشم) خدایاری می کند اگر او را نافرمانی کنم؟

۱۱-۳- ضمیر اشاره، صفت اشاره

در دستور زبان فارسی میان ضمیر اشاره و صفت اشاره تفاوت می گذاریم صفت اشاره مانند: «این کتاب، آبی است» و ضمیر اشاره مانند: «این، کتاب آبی است». همین تفاوت در بکارگیری اسماء اشاره را در زبان عربی می توان یافت، گو اینکه نحویان متقدم

چنین تفکیکی نکرده اند. از میان اسماء اشاره کلماتی چون: اولئک، اولئکم، ذلکم و ذالکن، همواره در قران کریم در قالب ضمیر اشاره بکار رفته اند، اما کلماتی چون: هذا، هذه، تلک، ذلک و هؤلاء، هم به گونه ی ضمیر اشاره و هم به گونه صفت اشاره آمده اند. مثال صفت اشاره: (بقره ۲)

﴿ ذَٰلِكَ الَّذِي لَا رَيْبَ فِيهِ ﴾

- آیتی: این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست.
- فولادوند: این است کتابی که در (حقانیت) آن هیچ تردیدی نیست.
- مصباح زاده: آنست کتاب معلوم که که نیست شکی در آن.

موارد رعایت قاعده:

- دهلوی: این کتاب هیچ شبه نیست در آن
- الهی قمشه ای: این کتاب که هیچ شک در آن نیست
- مکارم: آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد.
- معزی: این نامه که تردیدی در آن نیست
- مشکینی: این کتاب والا رتبه، جای شکی در آن نیست.
- انصاری: این کتاب است که شکی در آن (روا) نیست.

۱۱-۴- مثال ضمیر اشاره: (بقره ۲۵۹)

﴿ أَنِّي يُحْيِي ۚ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعَدَ مَوْتِهَا ﴾

- الهی قمشه ای: خدا چگونه این مردگان را زنده خواهد کرد؟
- پاینده: خدا مردم این دهکده را چگونه زنده می کند؟
- آیتی: از کجا خدا این مردگان را زنده می کند؟
- حلبی: خداوند چگونه (مردم) این قریه را پس از مردنش زنده می کند؟
- خواجوی: خدا چگونه مردم این ده را پس از مرگشان زنده می کند؟

نمونه هایی از رعایت قاعده:

- دهلوی: چگونه زنده می کند این را خدا بعد مردن؟
- پورجوادی: خدا چگونه اینان را پس از مرگشان زنده می کند؟
- مکارم: چگونه خدا اینها را پس از مرگ زنده می کند؟
- رضایی: چگونه خدا این (ها) را پس از مرگش (ان) زنده می کند؟

ویژگی های ترجمه ی ولی الله دهلوی

با ملاحظه ی موارد فوق می توان به عمق درک و فهم و گستره ی دانش و هوش سرشار ولی الله دهلوی پی برد. همان گونه که ذکر شد، پیشتر نیز ترجمه وی در بوته ی نقد و مقایسه با مترجمان دیگر قرار گرفته و از آن سربلند بیرون آمده است. حداد عادل در پی بررسی های خود اذعان می دارد که «ما همان بیست فقره ی مذکور در مقاله ی شماره ۳۸ کیهان اندیشه را که لغزشگاه غالب مترجمان معاصر بوده مطمح نظر قرار می دهیم و به سراغ ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی می رویم و در هر مورد بدون تکرار همه بحثهای مقاله ی مزبور و بدون ذکر مجدد نمونه های نادرست، مقایسه ای می کنیم مقارن آنچه نویسندگان آن مقاله «ترجمه صحیح» دانسته اند با ترجمه ای که شاه ولی الله از همان آیه بدست داده است. بدیهی است که خوانندگان از همین بیست نمونه ای که از این پس خواهیم آورد تا حدودی با خصوصیات زبانی این ترجمه نیز آشنا خواهند شد. بحث درباره معرفی سبک فارسی این ترجمه و خصوصیات واژگانی و دستوری آن در حوصله این مقاله نیست و محتاج نوشتاری جداگانه است، و مقصود، تنها معرفی این ترجمه و بدست دادن ملاک و معیار برای شناخت درجه صحت و دقت آن است. می بینیم که مترجم ناشناخته در ایران ما، در هر بیست فقره، صحیح ترجمه کرده و در این امتحان سخت نمره بیست آورده است و حتی می توان گفت که در اینجا این شاه ولی الله محدث دهلوی است که به مترجمان دار القرآن الکریم نمره بیست داده است. دریغ است که چنین ترجمه ای در ایران نزد دستداران قرآن و اهل علم و ادب مجهول و مجهول القدر باشد. آری، آن روز که قند شعر و ادب فارسی، کاروان در کاروان، به بنگاله می رفت، عجب نبود اگر در هند طوطیان این چنین شکر شکن پیدا می شدند و اما امروز که آن قند شیرین حتی در خود ایران کمتر یافت می شود چه جای

عجب است اگر ما فارسی گویان دیروز و امروز هند را از یاد برده باشیم.» (حداد عادل، ۱۳۷۰: ۳۲)

از عمده ترین ویژگی های ترجمه ولی الله دهلوی می توان به موارد دیگری نیز اشاره کرد. در یک نگرش کلی به متن ترجمه، می توان به میزان تسلط مترجم به علوم و معارف مختلف اسلامی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ترجمه قرآن کریم نقشی دارند پی برد و یقین کرد که در معارفی چون: صرف، نحو، علوم بلاغی، علوم خاص قرآنی، علوم حدیث، لغت، اشتقاق، و وضع دستی توانمند داشته است. فراگیر بودن دانش مترجم موجب شد که ترجمه اش نسبت به بسیاری از ترجمه های دیگر از لغزش کمتری برخوردار باشد. به تحقیق می توان گفت که عیب و نقص محتوایی و علمی این اثر، به مراتب از دیگر ترجمه های موجود کمتر است. دیگر ویژگی این ترجمه شیوایی نثر است، اگرچه بتوان آن را ترجمه تحت اللفظی تلقی کرده، نیز به انصاف می توان گفت در میان ترجمه های تحت اللفظی منحصر به فرد است و نارسایی های دیگر ترجمه های لفظ به لفظ کمتر در آن دیده می شود. مهم ترین ویژگی ترجمه محدث دهلوی، دقت نظر کم نظیر نسبت به ساختار نحوی عبارات قرآن کریم است. اگرچه این دقت نظر و پابندی به ترکیب عربی عبارت، گاهی به زیبای نثر ضربه زده است، اما زود فهمی آن را همچنان باقی گذاشته و به آسانی می توان به مفهوم عبارات ترجمه پی برد. ویژگی دیگر ترجمه دهلوی، آوردن برابری قابل فهم و درست برای مفردات است ... چرا که آن ها از رساترین کلمات فارسی برگزیده شده و کمتر حجت می افتد که کسی برای فهم کلمه ای به لغت رجوع کند ... برابر گزینی های درست و دقیق مترجم، می تواند برای مترجمان جدید بسیار راهگشا باشد تا به معادل های مناسب تر و دل نشین تر دست یابند. ویژگی بعدی این ترجمه یکدست بودن آن است، چنانچه اگر سه عبارت از آغاز، میان و پایان این ترجمه برگزیده شود، هر طبع بی آلاشی درمی یابد که خاستگاه هر سه عبارت یک قریحه بوده است. رعایت امانت نیز از شاخصه های مهم ترجمه دهلوی است، چنانچه از آوردن معنای کمترین حرفی در ترجمه دریغ نداشته و بسیار کم اتفاق افتاده که کلمه ای را حتی به قرینه، حذف کرده باشد. درعین حال در این کار پای دایره افراط نگذاشته و زیاده روی در ترجمه لفظ به لفظ تا آنجا که خواننده را از مفهوم

اصلی دور سازد، در این ترجمه رد نشانی ندارد و سعی مترجم همواره بر آن بوده است که معنا را فدای لفظ نکند و بس. دقت لازم در معانی حروف خصوصیت دیگر این ترجمه است. این دقت در موارد بسیاری برای مترجمان جدید راهگشاست. ویژگی دیگر ترجمه دهلوی شرح یا افزوده های تفسیری خارج از متن ترجمه است، این افزوده ها اگرچه اندکند اما بسیار روشنگر و با عنایت به آن می توان پی برد که دهلوی به ضرورت افزوده های تفسیر در خارج از متن نظر داشته و گاهی اوقات در متن نیز چنین افزوده هایی ملاحظه می شود که بسیار اندک شمارند. (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۱۲-۱۰۸)

ولی الله دهلوی خود به هنر خویش در امر ترجمه واقف بوده است و شیوه کار خویش را بدقت توصیف نموده و معلوم می دارد که کاملاً با شناخت و علم کامل و لازم در مسیر ترجمه وحی الهی گام برداشته است. از توصیفی که از کار خویش ارایه می کند می توان به مواردی اشاره نمود:

- ۱) مدلول نظم [صورت و محتوای] عربی قرآن به عبارت فارسی درآورده شد.
- ۲) نحو [و صرف و علوم بلاغت] و تقدم و تأخر کلمات و عبارات [بر وفق دستور زبان فارسی] و ظاهر ساختن محذوفات و ترتیب الفاظ طبق نظم قرآن رعایت شد، مگر در جاهایی که به سبب تفاوت دو زبان، ناپسندی لفظی یا دشواری و پیچیدگی معنایی پیش می آمد.
- ۳) آنچه از اشاره به اسباب / شأن نزول ضرورت داشت، به اختصار [و غالباً در حاشیه] نقل شد، در حد کتاب وجیز و تفسیر جلالین که به منزله مرجع اصلی این ترجمه اند.
- ۴) این ترجمه به شیوه کما بیش تحت اللفظ است با نظر به وجوه اعراب و بلاغت و قصص و [علوم قرآنی دیگر].
- ۵) شیوه این ترجمه از این قرار است که هر آیه ای جدا همراه با ترجمه آن نوشته شده و سبک سیاق مختار در آن زبان فارسی روزمره متداول است.
- ۶) هر چه افزون تر از تحت اللفظ [و به اصطلاح امروز: افزوده تفسیری است] اگر یک - دو کلمه است با افزوده کلمه «یعنی» یا نظایر آن متمایز شده است. و اگر کلامی است مفصل تر و مستقل، در آغاز آن «مترجم گوید» و در پایان آن «والله اعلم» آمده است.

(۷) و حتی‌المقدور از قصص مربوط به قرآن‌اکتفا به یک دو فقره اشاره کوتاه شد؛ و در مورد اسباب / شأن نزول، فقط چکیده‌ای از قصه‌های بلند اشاره‌وار به میان آوردیم.

(۸) منبع و مرجع احادیث این ترجمه «کتاب التفسیر» [از صحیح بخاری و سنن ترمذی است، و از اسرائیلیات حتی الامکان پرهیز شد «الاً در جایی که کشف معنی به غیر ایراد آن نمی‌شود، و الضرورات تبیح المحظورات».

(۹) از توجیهاات گوناگون، قوی‌ترین وجه از نظر عربیت، علم حدیث و فقه، که کمترین دگرگونی را در عدول از ظاهر [و معنای متبادر و متعارف] به کار می‌آورد، انتخاب شد.

(۱۰) این ترجمه به نحوی انجام گرفته که عربی دانان و اهل نحو و بلاغت، «اعراب قرآن و تعیین محذوف و مرجع ضمیر و تقدم و تأخر عبارات را [که لازمه ترجمه است] می‌توانند دانست، و کسانی که نحو و عربی نمی‌دانند، از اصل غرض و هدف [که فهم معانی قرآن کریم است] محروم نمی‌مانند.»

(۱۱) ترجمه‌ها دو گونه‌اند: یا تحت اللفظی، یا حاصل المعنی، و هر یک از این شیوه‌ها خلل و اختلال بسیار خاص خود را دارد. و این ترجمه جامع و حد وسط آن در شیوه است و برای دفع هر خلل و اختلال، چاره‌ای اندیشیده شده است که شرح آن در رساله قواعد ترجمه گفته خواهد شد.

(۱۲) در زبان عربی [و قرآن مجید] «و» [واو] و «ف» [فاء] در اغلب موارد زائد است و در ترجمه فارسی معنای ربطی که از آنها بر می‌آید، بدون کاربرد کلمات یا حروف حاکی از عطف و تعقیب، حاصل می‌شود. و در مواردی که باعث سستی سخن [= رکاکت لفظ] می‌شد، آن را رها کردیم [یعنی معادلی در برابرش نیاوردیم]. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۶۶)

و در نهایت برای تیمن و تبرک نگاهی به آیه ی شریف نور (نور ۳۵) و ترجمه ی زیبا و بی نظیر شاه ولی الله دهلوی، شکرشکن دیار هند، نظر می افکنیم، بی آنکه احساس کنیم نثر بکار گرفته شده در آن در حدود ۳۰۰ سال قدمت دارد و بی آنکه ذره ای از حلاوت شکر پارسی در این زمان دراز کاسته شده باشد. حسن انتخاب این ترجمه ی زیبا از قرآن پژوه معاصر بهاءالدین خرمشاهی ست (خرمشاهی، ۱۳۸۸: ۲۱) که آنرا از طبع پیشاور و کراچی

آورده است. آنچه در داخل قلاب آمده، دو موردش از حاشیه و افزوده تفسیری مترجم و بقیه موارد، اختلاف دو نسخه است.

﴿ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾

• خدا نور آسمانهاست و زمین؛ داستان نور وی در قلب مسلمانان، مانند طاقی که در آن چراغ است [یعنی فتیله روشن است]؛ آن چراغ در شیشه است [یعنی در قندیل است]؛ آن شیشه گویا ستاره درخشنده است؛ افروخته می شود از روغن درختی با برکت که عبارت از درخت زیتونی / زیتون است؛ نه به سمت مشرق روئید / رونده، و نه به جانب مغرب روئید / رونده؛ نزدیک است که زیت وی روشنی بدهد اگر چه نرسیده باشدش آتش / آتشی؛ روشنی بر روشنی است؛ راه می نماید خدا به نور خود هر کرا خواهد؛ و بیان می فرماید خدا داستانها برای مردمان و خدا به / بر هر چیز داناست.

نتیجه

همانگونه که ملاحظه گردید مترجم غیر ایرانی و متولد دیار هند، خود ظرافت هایی را از ترجمه خویش ذکر کرده که تا پیش از آن هیچ مترجم قرآنی به آنها توجه نکرده است. نکته قابل توجه این است که دهلوی در قامت یک نظریه پرداز ترجمه و یک ترجمه شناس ظاهر شده، مواردی که امروز یعنی پس از حدود سه قرن صاحب نظران این دانش تبیین نموده اند را یکایک شرح میدهد و نظریه ترجمه اش را معرفی می نماید. ناگفته پیداست که چنین کار بزرگی از جانب شاه ولی الله دهلوی قطعاً خالی از اشتباه و خطا و عیب نیست ولی از آنجا که در این نگاه بنا بر احصاء برجستگی های کار مترجمی غیر ایرانی ولی پارسی گوی است از ذکر آنها چشم پوشی شد و تنها مشخصات برخی نقد ها در بخش منابع آمد.

منابع

- ۱- ارفع، سید کاظم (۱۳۸۱) **ترجمه قرآن** (ارفع)، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
- ۲- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰) **ترجمه قرآن** (الهی قمشه‌ای)، چاپ دوم، قم: انتشارات فاطمه الزهراء.
- ۳- انصاری، خوشابر مسعود (۱۳۷۷) **ترجمه قرآن** (انصاری)، چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- ۴- انصاریان، حسین (۱۳۸۳) **ترجمه قرآن** (انصاریان)، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه.
- ۵- انصاری، مسعود (۱۳۷۵) **شکوه و زیبایی در ترجمه قرآن دهلوی**، بینات، شماره ۱۲.
- ۶- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴) **ترجمه قرآن** (آیتی)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
- ۷- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶) **قرآن ناطق**، جلد اول، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۷) **ترجمه قرآن** (پاینده)، چاپ پنجم، قم: سازمان انتشارات جاویدان.
- ۹- پورجوادی، کاظم (۱۴۱۴ق) **ترجمه قرآن** (پورجوادی)، چاپ اول، تهران: بنیاد دایره‌ی المعارف اسلامی.
- ۱۰- یغمایی، حبیب، (۱۳۵۶) **ترجمه تفسیر طبری**، علمای ماوراء النهر، به اهتمام حبیب یغمایی، ۷ جلدی، تهران: انتشارات توس.
- ۱۱- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷) «**ترجمه فارسی (شاه ولی الله دهلوی)**»، چاپ شده در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: نشر دوستان - ناهید.

- ۱۲- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۰) **معرفی ترجمه ای از قرآن**، کیهان اندیشه، شماره ۴۰، بهمن و اسفند.
- ۱۳- حکیمی، قاضی مومن (۱۳۸۹) **امام مجدد شاه ولی الله دهلوی احیاء کننده قرآن و سنت در نیم قاره هند**، ماهنامه قافله، شماره ماه جدی.
- ۱۴- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۰) **ترجمه قرآن** (حلبی)، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۵- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۸۸) **بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم**، چاپ اول، قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- ۱۶- ----- (۱۳۸۰) **ترجمه شاه ولی الله دهلوی**، ترجمان وحی. شماره ۹.
- ۱۷- ----- (۱۳۸۱) **ترجمه فارسی (شاه ولی الله دهلوی)**، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات دوستان.
- ۱۸- خواجهوی، محمد (۱۴۱۰ق) **ترجمه قرآن** (خواجهوی)، چاپ اول، تهران: انتشارات مولی.
- ۱۹- دهلوی، شاه ولی الله (۱۴۱۷ق) **ترجمه قرآن** (دهلوی)، چاپ اول، مدینه منوره: مجمع ملک فهد، لطباعة المصحف الشريف.
- ۲۰- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۳) **ترجمه قرآن** (رضایی)، چاپ اول، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
- ۲۱- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰) **ترجمه قرآن** (صفارزاده)، چاپ دوم، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
- ۲۲- طاهری فزونی، علی اکبر (۱۳۸۰) **ترجمه قرآن** (طاهری)، چاپ اول، تهران: انتشارات قلم.
- ۲۳- فارسی، جلال الدین، (۱۳۶۹) **ترجمه قرآن** (فارسی)، چاپ اول، تهران: انجام کتاب.

- ۲۴- «فتح الرحمن (ترجمه محدث دهلوی از قرآن کریم)»، نوشته مسعود انصاری، (۱۳۷۷) چاپ شده در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: نشر دوستان - ناهید.
- ۲۵- فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۵ق) **ترجمه قرآن** (فولادوند)، چاپ اول، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ۲۶- کاویانپور، احمد (۱۳۷۸) **ترجمه قرآن** (کاویانپور)، چاپ سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- ۲۷- کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۹) **ساخت های زبان فارسی و مساله ترجمه قرآن**، تهران: هرمس.
- ۲۸- موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۸۴) **ترجمه قرآن** (گرمارودی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات قدیانی.
- ۲۹- مجتبوی، سید جلال الدین (۱۳۷۱) **ترجمه قرآن** (مجتبوی)، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت.
- ۳۰- مجد، امید (۱۳۷۷) **قرآن مجید با ترجمه منظوم** (قرآن نامه)، چاپ دوم، تهران.
- ۳۱- مشکینی، علی (۱۳۸۱) **ترجمه قرآن** (مشکینی)، چاپ دوم، قم: الهادی.
- ۳۲- مصباح زاده، عباس (۱۳۸۰) **ترجمه قرآن** (مصباح زاده)، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.
- ۳۳- معزی، محمد کاظم (۱۳۷۲) **ترجمه قرآن** (معزی)، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه.
- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸) **ترجمه قرآن**، قم: نشر مدرسه ی الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ۳۵- ناصح، علی احمد (۱۳۷۸) **نقد ترجمه ای از قرآن**، صحیفه مبین، دوره دوم، شماره ۱، بهار.